



## حرکت به سوی توسعه شهری مردم محور

گفت‌وگو با غلامرضا کاظمیان\*

### وجه تمایز بازآفرینی شهری با رویکردهای پیش از خود از دید شما چیست و چه الزاماتی موجب در پیش گرفتن این رویکرد شده است؟

به نظرم لازم است قبل از پاسخ دادن به این پرسش، پیش‌درآمدی را مطرح کنم. من معتقدم در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری ایران، یک حلقه مفقوده مهم به نام «سیاست‌گذاری شهری» داریم که پیش از «برنامه‌ریزی شهری» قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاری شهری به نوعی هدایت‌کننده فرایندها و فعالیت‌ها و اقداماتی

است که قرار است با عنوان برنامه‌ریزی شهری انجام دهیم. خروجی سیاست‌گذاری شهری سند توسعه شهری یا سیاست توسعه شهری است، در حالی که این سیاست‌گذاری باید در سطوح و موضوعات مختلف وجود داشته باشد. سال‌هاست

که ما در غیاب سند سیاست‌های توسعه شهری، چه در حوزه مباحثی مانند طرح‌های توسعه شهری مثل طرح‌های جامع و تفصیلی و چه در حوزه توسعه شهری مانند بازآفرینی شهری و نوسازی شهری، برنامه‌ریزی

شهری انجام می‌دهیم. این فقدان به این معناست که نظام توسعه شهری در غیاب یک نظام هدایت‌کننده فعالیت می‌کند. هرچند که به هر حال برنامه‌ریزان ناچار بوده‌اند سیاست‌هایی برای خودشان فرض کنند و بر مبنای آن سیاست‌ها اقدام به برنامه‌ریزی کنند، و ممکن است این سیاست‌ها منطبق بر خواسته‌های ذی‌نفعان توسعه شهری باشد یا نباشد. در چنین شرایطی نمی‌توانیم از نظام برنامه‌ریزی توسعه شهری این اشکال را بگیریم که جهت‌گیری‌های مدون و منضبطی نداشته است.

در مواجهه با بافت‌های شهری موجود هم دچار این مشکل بوده و هستیم و کلیت

نظام برنامه‌ریزی توسعه شهری نمی‌دانسته چه برخوردی می‌خواهد بکند. به همین دلیل برخوردهای متنوع و متعددی، چه در مقیاس زمان و چه در مقیاس مکان، اتفاق افتاده است

و چون رضایت‌بخش نبوده، باز هم بی‌آن‌که بدانیم چه می‌خواهیم، مسیر خود را عوض کرده‌ایم. این ندانستن به همه ذی‌نفعان توسعه شهری، چه سازمان‌های دولتی، چه سازمان‌های عمومی، و چه مردم به عنوان ساکنان

### بازآفرینی شهری در واقع تبعیت از یک نگاه تکاملی به بافت‌های شهری است.

\* عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، عضو شورای سیاست‌گذاری شرکت بازآفرینی شهری ایران